

پرسش ۲۷۴: روایت این گونه می گوید: «پس از قائم».

السؤال / ۲۷۴ : بسم الله الرحمن الرحيم ... تأملوا ... تأملوا ... تأملوا
إنّ الرواية تقول (بعد القائم) ما لكم كيف تحكمون.
أحذركم ونفسي (النار ... النار ... النار) والحمد لله رب العالمين.

المرسل: Ahmed Aliraqi313

بسم الله الرحمن الرحيم.... تأمل کنید.... و تأمل کنید.... و تأمل کنید.

روایت می گوید «پس از قائم»، شما چه می گوید؟

شما و خودم را از آتش.... آتش.... آتش.... می ترسانم. و الحمد لله رب العالمين .

فرستنده: Ahmed Aliraqi313

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين، وصلى الله
على محمد وآله الأئمة والمهديين وسلم تسليماً.

أما بعد ...

پاسخ:

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و

سلم تسليماً.

اما بعد....

إن كنت تقصد الرواية أو الروايات التي تقول: إنّ منا بعد القائم اثنا
عشر مهدياً، فهي لا تتعارض مع دعوة السيد أحمد الحسن؛ لأننا لا نقول
بأنّ الإمامة انتقلت من الإمام المهدي (ع) إلى ولده المهدي الأول من
ذريته (ع)، بل نقول إنّ السيد أحمد الحسن هو المهدي الأول ووصي

الإمام المهدي (ع)، ووجود الوصي في حياة الموصي من السنن الإلهية
فما من نبي أو إمام إلا ووصيه موجود أثناء حياته ولا يفارق الدنيا حتى
يعهد إلى وصيه قبل وفاته.

اگر منظورت روایت یا روایت‌هایی است که ذکر می‌کنند: «پس از قائم، 12 مهدی
وجود دارند»، تعارضی با دعوت سید احمد الحسن ندارند؛ زیرا ما نمی‌گوییم که امامت
از امام مهدی (ع) به فرزندش مهدی اول منتقل شده است بلکه می‌گوییم که سید
احمد الحسن، مهدی اول و وصی امام مهدی (ع) است و وجود وصی در زمان حیات
وصیت کننده، از سنت‌های الهی است و هیچ نبی یا امامی نبوده است مگر اینکه
وصیش در زمان حیاتش موجود بوده و دنیا را بدرود نگفته است مگر اینکه بر وصی
خود وصیت کرده باشد.

وبخصوص وصي الإمام المهدي (ع) والذي اسمه أحمد فهو لا بد أن
يكون موجوداً قبل قيام الإمام المهدي (ع)؛ لأنّ الرسول محمد(ص) نص
عليه في وصيته عند وفاته بأنّه أحمد وهو أول المؤمنين، ولا يمكن أن
يصدق عليه بأنّه أول المؤمنين إلا أن يكون موجوداً قبل قيام الإمام
المهدي (ع)، فأنت ترى أنّ من صفات أمير المؤمنين(ع) بأنّه أول
المؤمنين، أي: أول المؤمنين برسالة الرسول محمد(ص) ولو لم يكن
مولوداً قبل بعثة الرسول محمد(ص) لما صدق عليه بأنه أول المؤمنين،
فما يجري هناك يجري هنا.

در خصوص وصی امام مهدی (ع) که نامش احمد است نیز چاره‌ای نیست مگر
اینکه پیش از قیام ایشان، وجود داشته باشد؛ زیرا رسول خدا محمد(ص)، در وصیتش
در هنگام وفاتش بر او نصّ آورده است که نامش احمد و او اولین مومنان است و
ممکن نیست که او اولین مومنان باشد مگر اینکه قبل از قیام امام مهدی (ع) وجود
داشته باشد. شما ملاحظه می‌کنی که از صفات امیرالمومنین(ع)، اولین مومنان یعنی

اولين مومن به رسالت رسول الله محمد(ص) می باشد و اگر پیش از بعثت حضرت محمد(ع) متولد نمی شد، لقب اولین مومن بر او صدق نمی کرد؛ هرآنچه در آن زمان جریان داشت، در این زمان هم جریان دارد.

وهناك روايات أخرى تدل على وجود وصي الإمام المهدي (ع) قبل قيامه المقدّس لا مجال لسردها الآن [297]، وأنا على يقين لو أنك راجعت كتب أنصار الإمام المهدي (ع) بتدبر لما التجأت إلى هكذا إشكال، وأنصحك بالاطلاع على كل من الكتب الآتية: (الوصية والوصي) و (اليماني حجة الله) و (موجز عن دعوة السيد أحمد الحسن) وغيرها من الكتب والتي فيها تفصيل الإجابة عن إشكالك وغيره من عشرات الإشكالات.

روایات دیگری هم وجود دارد که دلالت بر وجود وصی امام مهدی(ع) قبل از قیام مقدسش دارد که اکنون مجال بیان آنها نیست [298] و من مطمئنم که اگر با تدبّر به کتابهای انصار امام مهدی(ع) مراجعه نمایی، این اشکال برایت پیش نمی آید. توصیه می کنم که کتابهای زیر را مطالعه نمایید: «وصیت و وصی» و «یمانی حجت الله» و «مختصری از دعوت سید احمد الحسن» و سایر کتابهایی که اشکال تو و دهها اشکال دیگر را پاسخ می گویند.

وأذكر إليك بعض وصية الرسول محمد(ع) في ليلة وفاته، وأرجو أن تتدبر فيها بتجرّد وموضوعية وإنصاف:

عن أبي عبد الله جعفر بن محمد، عن أبيه الباقر، عن أبيه ذي الثفّنات سيد العابدين، عن أبيه الحسين الزكي الشهيد، عن أبيه أمير المؤمنين(ع)، قال: (قال رسول الله(ص) في الليلة التي كانت فيها وفاته لعلي(ع): يا أبا الحسن، أحضر صحيفة ودواة، فأملا رسول الله(ص) وصيته حتى انتهى إلى هذا الموضع، فقال: يا علي، إنه سيكون بعدي إنا

عشر إماماً ومن بعدهم إثنا عشر مهدياً، فأنت يا علي أول الإثني عشر إمام، سمّاك الله تعالى في سمائه علياً المرتضى وأمير المؤمنين والصدّيق الأكبر والفرّوق الأعظم والمأمون والمهدي فلا تصح هذه الأسماء لأحد غيرك، يا علي، أنت وصيي على أهل بيتي حيّهم وميتهم وعلى نسائي فمن ثبتها لقيتني غداً ومن طلقها فأنا بريء منها لم ترني ولم أرها في عرصة القيامة، وأنت خليفتي على أمّتي من بعدي فإذا حضرتك الوفاة فسلّمها إلى ابني الحسن البر الوصول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابني الحسين الشهيد الزكي المقتول، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه سيد العابدين ذي الثغفات علي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الباقر، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه جعفر الصادق، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه موسى الكاظم، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الرضا، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد الثقة التقي، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه علي الناصح، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه الحسن الفاضل، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه محمد المستحفظ من آل محمد فذلك إثنا عشر إماماً. ثم يكون من بعده إثنا عشر مهدياً، فإذا حضرته الوفاة فليسلمها إلى ابنه أول المقربين (المهديين) له ثلاثة: أسامي أسم كاسمي وأسم أبي؛ وهو عبد الله، وأحمد، والاسم الثالث المهدي، وهو أول المؤمنين) [299].

قسمتی از وصیت رسول الله محمد (ص) را در شب وفاتش در اینجا ذکر می‌کنم و امیدوارم که با دقت و انصاف در آن توجه و تدبیر نمایی:

از ابو عبدالله جعفر بن محمد، از پدرش باقر، از پدرش ذی الثغفات زین العابدين، از پدرش حسین زکی شهید، از پدرش امیرالمومنین (ع) که فرمود: «پیامبر خدا (ص) در شبی که وفاتش بود به علي (ع) فرمود: یا اباالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن. پیامبر خدا (ص) وصیتش را املا فرمود تا به این جا رسید که فرمود: یا علی پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آنها دوازده مهدي، و تو ای علی، نخستین دوازده امامی که خداوند تو را در آسمان، علی مرتضی و امیرالمومنین و صدیق اکبر و فرّوق اعظم و

مأمون و مهدی نامید و این اسامی جز بر تو شایستگی ندارد. ای علی! تو وصی من بر اهل بیتم چه زنده و چه مرده‌ی ایشان و نیز وصی بر زنانم هستی، هر يك را که تو به همسری من باقی گذاری، فردای قیامت مرا دیدار کند و هر يك را که تو طلاق بدهی، من از وی بیزارم و مرا نخواهد دید و من نیز او را در صحرای محشر نخواهم دید. تو پس از من، خلیفه و جانشین من بر امتم هستی. هرگاه وفاتت رسید، خلافت را به فرزندم حسن واگذار کن که نیکوکار و متصل به حق است. هرگاه وفاتش رسد، باید خلافت را به پسرش حسین پاک و شهید مقتول بسپارد و هرگاه وفاتش رسد، باید خلافت را به پسرش زین العابدین، ذی الثغفات (دارای پینه‌ها بر اثر سجده‌های فراوان) بسپارد و وقتی وفاتش رسید، خلافت را به پسرش محمد باقر بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش، جعفر صادق بسپارد و وقتی وفاتش رسید، خلافت را به پسرش موسی کاظم بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش علی رضا بسپارد و وقتی وفات او رسید، خلافت را به پسرش محمد ثقه نقی بسپارد و چون وفات او رسید، خلافت را به پسرش علی ناصح بسپارد و چون وفاتش رسید، خلافت را به پسرش حسن فاضل بسپارد و چون وفاتش رسید، خلافت را به پسرش محمد که حافظ دین آل محمد(ع) است بسپارد. اینان، دوازده امامند و پس از آنان دوازده مهدی هستند. پس هرگاه وفات مهدی(ع) رسد، باید امر خلافت را به پسرش، اولین مقربین (اولین مهدیین) بسپارد که برای او سه نام است: اسمی مانند اسم من و اسم پدرم عبد الله و احمد و اسم سوم مهدی است که او، اولین مومنان است» ([300]).

**وَأخيراً أسأل الله لك الهداية والسداد، وأعوذ بالله تعالى من ناره
و غضبه، وأسأله أن يثبتنا على ولاية محمد وآل محمد(ع) إنه سميع
مجيب.**

در پایان، از خدا برای تو هدایت به راه راست را درخواست می‌کنم و از آتش و غضب خدا به او پناه می‌برم و از او می‌خواهم که ما را بر ولایت محمد و آل محمد(ع) استوار بدارد که او شنوا است و اجابت می‌کند.

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة
والمهديين، ولعنة الله على أعدائهم إلى يوم الدين.
اللجنة العلمية - أنصار الإمام المهدي (مکن الله له في الأرض)
الشيخ ناظم
العقيلي

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآله الأئمة والمهديين، ولعنة الله
على أعدائهم إلى يوم الدين.

هیأت علمی - انصار امام مهدی(ع) (خداوند در زمین تمکینش دهد)
شیخ ناظم العقیلی



[297] - عن المفضل بن عمر، قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول: (إن لصاحب هذا الأمر غيبتين إحداهما تطول حتى يقول بعضهم مات، ويقول بعضهم قتل، ويقول بعضهم ذهب، حتى لا يبقى على أمره من أصحابه إلا نفر يسير لا يطلع على موضعه أحد من ولده ولا غيره إلا المولى الذي يلي أمره) الغيبة للشيخ الطوسي: ص 161 - 162.

[298] - از مفصل بن عمر نقل شده است که گفت: شنیدم ابا عبدالله(ع) می‌فرماید: «برای صاحب این امر، دو غیبت است؛ یکی از آنها به قدری طولانی می‌شود که بعضی می‌گویند مرده و برخی دیگر می‌گویند کشته شده و برخی دیگر می‌گویند رفته است تا بر امر او هیچ یک از اصحابش باقی نمی‌مانند مگر عده‌ی اندکی، هیچ یک از فرزندان او و نه سایرین بر جایش مطلع نمی‌شوند مگر آن مولایی که امرش را عهده‌دار است». غیبت طوسی: ص 161 و 162.

[299] - الغيبة للطوسي: ص 150.

[300] - غیبت طوسی: ص 150.